

بستو میدهیم که در موقع گرفتن سرباز حاضرشوی و تورا معرفی کنیم پس وقتی او را راضی و حاضر کنیم دیگر ماده اول مصداق پیدا نمی‌کند و اگر بخواهیم اختیار مالکین و اهالی بدهیم معنی اش این است که ماده اول را تصویب کرده ایم نسخ می‌کنیم پس اگر بخواهیم قانونی را که تصویب نموده ایم نسخ نکرده باشیم لازمه اش این است که مأمورین وزارت جنگ متصدی امر انتخاب سرباز باشند و در موردیکه انتخاب میکنند اگر عده آن بقدر کفاف بود آن عده مکلفند داخل در خدمت نظام شوند و اگر عده زیادت باشد بقرعه معین میکنند.

مدرس — گمان میکنم بعد از آن مذاکراتی که شد کمیسیون اصلاح خیلی خوبی پیشنهاد کرد و الا اینکه آن دو جهت را که آقا اظهار داشتند لازم است مراعات شود یکی این که شرایط سرباز گیری را باید معین کنند موافق شرایط ماده پنجم باشد تا ماده مجمل نباشد و یکی هم مسئله یادار باید معین شود و اینکه میگویند مصداق مختلفه دارد بنده عرض میکنم چون مصداق مختلفه دارد باید معین شود که اسباب زحمت مردم نشود اگر این دو جهت اشکال رفع شود گمان من این است این اصلاحی که شده است خیلی موافق با عدل است و زحمتش برای مردم خیلی کمتر است خوب است آقای مخبر قبول بفرمایند و این دو فقره اصلاح بشود.

مخبر — با آن نظریات مختلفی که بین آقایان نمایندگان بود در دفعه دوم که این ماده بکمسیون برگشت باین ترتیب اصلاح شد و بنده گمان می‌کنم همینطوریکه میفرمایند این اصلاح بهترین صورتی است که نوشته اند و هر شکلی که نوشته میشد شاید اسباب گفتگو میشد اما در باب آن ایردی که آقای مدرس فرمودند که باید موافق شرایط ماده پنج باشد بنده گمان میکنم کمیسیون هم مخالفی نداشته باشد و همینطور نوشته شود چون موضوع کمیسیون هم از شرایط سربازی همان شرایط ماده پنجم است و بنده این اصلاح را قبول میکنم اما در باب یاداری بنده و سایر رفقا هر چه زحمت کشیدیم نتوانستیم یک تعریفی و صورتی از برای آن پیدا کنیم بواسطه اینکه یاداری کلیتاً در هر ولایت و در هر محل و هر ده بلکه در هر خانواده مفادش تغیر میکند مثلاً در بعضی ایلات فقط بداشتن دوشتر که شاید در محل خودش پانصد تومان بیشتر قیمت نداشته باشد آدم را یادار میدانند و در محل دیگر شاید بداشتن پانصد تومان هم یادار نمی‌دانند چرا که خرجش زیادت از دخل اوست و در بعضی جاها هست که سرباز هیچ ندارد ولی یک جزئی زراعتی در زمین دارد و در موقع برداشتن خرمن یک محصولی خواهد داشت او را یادار فرض میکنند به این جهت هر چه ملاحظه و دقت در این موضوع شد نتوانستیم از برای یاداری یک تبصره و یک صورتی پیدا کنیم که کامل باشد و مجبور شدیم بنظر مأمورین سرباز گیری واگذار کنیم که در هر محلی مطابق صرف آن محل یا داری و بی یائی سرباز را معلوم کنند.

حاج شیخ حبیب‌الله — در آن پیشنهادی که سابقاً بنده کرده بودم مضمونش این بود که ماده

قانون قشون گیری راجع بیکمی از شرایط سربازی دلائلی اقامه کرده و بواسطه سوء انتخاب مثل بیان مطلب مستحسن نشد از این بابت ایشان اظهار تافـ کردند بنده لازم دیدم مضمون نطق ایشان را تکرار کنم تا اگر بعضی کلمات آن شنیده نشده بود اشتباهی حاصل شده است رفع شبهه بشود دستور امروز بقیه شور درم قانون قشون گیری است در ماده نهم که بکمسیون ارجاع شده بود و یک ماده الحاقیه که خود آقای مخبر پیشنهاد کرده بودند کمیسیون تصویب نموده است باید مذاکرات بشود (ماده نهم بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده نهم تعیین افراد قشون هر محلی مطابق بنیچه بعمل خواهد آمد باین ترتیب که مأمورین سرباز گیری و اشخاص یادار محل را که دارای شرایط سربازی هستند حاضر مینمایند و هر گاه عده ایشان مساوی عده لازمه است تمام آن افراد مکلف بدخول در خدمت نظامی خواهند بود و اگر عده ایشان بیشتر باشد عده لازمه باقرعه معین خواهد شد.

آقای سید فاضل — این ماده نهم که پیشنهاد شده باز از دو جهت نقص دارد یکی مسئله یاداری که بهمان حال سابق باقی مانده و ضابطی از برای یاداری معلوم نشده است و دیگری اینکه (دارای شرایط) که در اینجا نوشته شده باید تصریح شود که مطابق شرایط ماده پنجم خواهد بود والا بعضی شرایط هست که در نظامنامه وزارت جنگ نوشته میشود و مأمورین سرباز گیری بخواهند موافق آن شرایط اخذ سرباز کنند و باین واسطه قهراً مردم دچار تضییق خواهند شد و تبصره هم در باب یاداری پیشنهاد کرده ام تقدیم میکنم.

حاج شیخ محمد حسن — عرض میکنم راجع بتجدید یاداری نظر باینکه مصداق مختلفه متکثره دارد ممکن است هر محلی نسبت بمحل دیگری در موردی یادار شمرده شود و در مورد دیگر جزو یادار محسوب نشود مثلاً بعضی از دهات هم بقدر که یک کسی رزاعتش در زمین باشد بدون اینکه آب یا ملکی داشته باشد او را یاداری میگویند و بعضی جاهای دیگر هست که اگر یک اندازه هم ملک داشته باشد یادار محسوب نمیشود پس این یادار مفهومی است از مفاهیم هرقه که اهالی هر محلی نسبت بخود آن محل یادار و غیر یادار را از هم تشخیص میدهند و لازم نیست ما آن را تجدید کنیم که اسباب اشکال بیشتر فراهم شود این یک مسئله امام مسئله دیگر که اختیار بمأمورین وزارت جنگ داده شده است معقیده بنده نظر بماده اول این قانون که بتصویب مجلس رسید لازم است این اختیار داده شود بنده مضمون ماده اول را عرض میکنم و بعد از آن تطبیق میکنم که به بینم آیا مأمورین وزارت جنگ باید متصدی این امر باشد یا مالکین و اهل محل ماده اول مینویسد که اساس قشون گیری دولت ایران بطرز بنیچه (خدمت اجباری خصوصی است) و معلوم است مراد از این ماده این است که دخول در دایره خدمت نظامی اجباری است یعنی نقطه مقابل قشون داوطلبی است که باختیار خودشان داخل در خدمت میشوند پس وقتیکه دخول در دائره خدمت اجباری شد آیا در اینصورت ممکن است بگوئیم اهالی مختار باشند اگر این فقره با ماده اول منافات ندارد چه عیب دارد بگوئید اختیار با مالکین بنیچه و اهالی باشد ولی اگر ما اختیار را بمالکین ندهیم ممکن است ابتدائاتی کنند و یک شخص بگوئید فلان مبلغ

باید صرف شود اولاً در عرضی که راجع ببنان طهران میخواهم بکنم تنقید براحده نیست و مکرر در مجلس مذاکره شده است که نان طهران بسیار بد است و همه مردم از آن شکایت دارند و انبار دولتی هم که همیشه میزان نرخ گندم وجود نگاه میدارد و باید همیشه چهل و پنج یا پنجاه هزار خروار جنس در آن موجود باشد از قراریکه تحقیق کرده ام بیشتر از پنج هزار خروار موجود نیست آنرا هم همه روزه از قرار خرواری ده تومان و نیم خبازها میبرند که میزان نرخ میدان را نگاه دارند و باز از قراریکه تحقیق کرده ام این جنس را که بهمین میزان بخیاز ها میدهند آنها میگیرند و میبرند احتکار میکنند و با اینکه حالا هوا و راهها خیلی خوبست و دولت درزنجان و ساوه و عراق جنس دارد باز اوضاع این است که دیده میشود اینست که بنده خاطر نشان نمایندگان و پیشنهاد هیئت رئیسه میکنم که جداً یک ترتیبی که واقعا عملی باشد در باب نان طهران اتخاذ کند و از دولت بخواهند بجهت اینکه اگر اینطور باشد همه روزه بدتر میشود و اگر حالا یک ترتیب و چاره جدی اتخاذ نکند علاوه بر اینکه مسئله نان گاهی بعضی رنگهای دیگر هم پیدا میکند پس فردا دچار تضییقات دیگر خواهیم شد.

رئیس — آقای حاج معین التجار راجع بنان است.

حاج معین التجار — خیر.

رئیس — پس چون عده کافی نیست تنفس داده میشود و بعد از تنفس مذاکره میشود.

گفته شد چون در دستور چیزی نیست جلسه را ختم فرمائید.

رئیس — بسیار خوب چند فقره تقاضای مرخصی شده است بممانند برای جلسه آتی جلسه آتی روز سه شنبه و دستور آن بقیه شور در قانون سرباز گیری خواهد بود.

مجلس مقارن مغرب ختم شد

جلسه ۷۸

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه بیست و هشتم شهر ذیحجه ۱۳۲۷
مجلس یکساعت و نیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای موثمن الملك تشکیل و صورت مجلس روز شنبه بیستم قرائت شد
غائبین با اجازه — آقایان .. عدل الملك - سلیمان میرزا - ادیب السلطنه - میرزا محمد علیخان نماینده همدان - ارباب کیخسرو

غائبین بدون اجازه - آقایان .. ناصر الاسلام صدر المالک - صدر الملك - حاج شیخ محمد حسن یزدی - حاج سید اسدالله قزوینی - دکتر امان محمد هاشم میرزا مریم شریعتمدار

رئیس — در صورت مجلس ملاحظاتی هست یا نیست؟ (اظهاری نشد) چون ایرادی نیست صورت مجلس تصویب شد در جلسه قبل آقای حاج شیخ محمد حسن گروسی راجع به نطقی که روز سه شنبه کرده اند بیاناتی فرمودند چون بعضی از کلمات نطق ایشان را بعضی آقایان درست نشنیده بودند اشتباهی حاصل شده بود این است که برای رفع شبهه مضمون نطق ایشان را بنده در اینجا تکرار میکنم مضمون نطق ایشان این بود که در ماده پنجم

نهم این قسم نوشته شود (تعیین افراد قشون هر محلی مطابق بنیچه از اشخاصیکه دارای شرایط ماده پنجم میباشند بمعرفی اهالی محل بعمل خواهد آمد) و در این پیشنهاد تمام قیودی که لازم بود و اسباب زحمت رعایا و بیچارگان میشد برداشته بودم حالا آقایان آمده اند و دو قید زیاد کرده اند بنده هرچه فکر میکنم علت این دو قید را نمی فهمم زیرا این قیدی که میکنند (پادار باشد) برای چیست؟ بنده عرض میکنم پاداری را که خود نماینده دولت میگوید من و رفقایم هرچه فکر کردیم نداشتیم چه چیز است ما چطور میتوانیم یک همچو قانونی راجع بفرستیم قانون برای خارج است این قانون را باید بخود ملت و رعایا داد که بدانند و بفهمند چطور شخصی قابل سربازی است بعد از آنکه ماتریباً بیست روز است فکر میکنیم و نمی فهمیم معنای پاداری را چطور در قانون بنویسیم. مردم چطور ملتفت خواهند شد ذکر الفاظ مجمله که در قانون صحیح نیست بواسطه اینکه قانون از برای فهمیدن معنایش وضع میشود بعد از آنکه معنایش معین و مبین نباشد و ندانند چه چیز است آن وقت این لفظ اسباب دخل کسانی که میخواهند دخل کنند خواهد شد و اسباب زحمت رعایا را فراهم خواهند آورد این یک مقدمه مقدمه دیگر این است که بنده عرض کردم بمعرفی مالکین و اهالی محل سرباز گرفته شود آقایان میفرمایند با اختیار مأمورین سرباز گیری باشد بنده عرض میکنم دولت غیر از سرباز دارای شرایط چیز دیگر که میخواهند بعد از آنکه دولت سرباز دارای شرایط میخواهد هر کس بیآورد بدهد فرق نمیکند دیگر چرا ما هم از برای دولت یک خرجی میترسیم و هم اسباب زحمت برای رعایا فراهم میآوریم معلوم است این ترتیب چه نتایج سوئی هم از برای ملت و هم از برای دولت خواهد داشت بعضی آقایان فرمودند که قشون گیری ایران بطور اجباری خصوصی است مگر عرض کرده ام مرام ما این است که امام عسکر دولت باشیم و هستیم چیزی که هست این است که بواسطه سوءفتراری که با عده عسکر میشود مردم میل ندارند عسکر بشوند و اینکه میگویند مجبوری است نه اینکه تمام مردم را مجبور میکنند داخل در خدمت نظام شوند بلکه معنای مجبوری این است که نمیشود کسی را بعنوان داوطلبی داخل در نظام کرد و باید بعنوان اذن دولت داخل کرد و اینکه فرمودند تبانی میشود عرض میکنم چه تبانی میشود؟ دولت غیر از سربازی که دارای شرایط باشد چیز دیگری که نمیخواهد چه تبانی بشود و چه نشود هیچ فرق نمیکند اینهم یک مقدمه دیگر اینکه فرمودند یک هیئتی از مأمورین دولت کسانی را که قابلیت دارند و دارای شرایط سربازی هستند حاضر میکنند آن وقت قرعه میکشند عرض می کنم چه لازم کرده است که ما بعنوان قرعه داخل این کار شویم زیرا ممکن است از ابتدای دولت اعلان بکنند که بقدر بنیچه سرباز میخواهم آنوقت اهل محل خودشان میآیند و اشخاصی را که دارای شرایط لازمه هستند بدلت تسلیم می کنند و محتاج بقرعه نخواهد بود و معلوم است که این ترتیب چقدر اسباب زحمت برای دولت و ملت خواهد شد و معلوم نیست این قرعه باسم چه کسانی بیرون خواهد آمد لاحول ولاقوة الا بالله.

مخبر - اولاً آقای حاج شیخ حبیب الله فرمودند که بنده عرض کردم معنی پاداری را نفهمیدم و جمعی دیگر هم نفهمیدند بنده گمان میکنم هیچ همچو عرضی نکرده ام بلکه عرض کردم که ما نمیتوانیم معنی پاداری را در این قانون معین کنیم و الا ما بغوی فهمیده ایم شاید خودشان ملتفت نشده اند و سوء تعبیر میفرمایند بنده عرض کردم در قانون نمیشود این مسئله را معلوم کرد و حدودی از برای پاداری معین نمود اما اینکه فرمودند بمعرفی مالک باشد بنده خیلی خوب میدانم که بعضی مالکین هستند همانطوریکه تمام اختیار رعیت بیچاره بدست راد دست میگیرند تعیین سرباز را هم خودشان میخواهند در دست بگیرند چطور ممکن است یک نفر مالک که یک ملک و زمینی دارد میتواند بغوی معین کند که باید سرباز شود و کسی نباید سرباز شود این اختیاری را که ایشان میخواهند بوزارت جنگ داده شود بنده بطریق اولی حاضر نیستم یک نفر مالک داده شود باید اختیار مأمورین وزارت جنگ بیشتر از مالک باشد بجهت اینکه مالک بعضی نظریات در ملک و رعیت دارد که مأمورین دولت ابتدا آن نظریات را ندارند و لازم است در اینجا بنده یک تشریحی بکنم محلهائی که باید سرباز بدهند سه صورت ممکن است پیدا کند یعنی آن محل و آن ده یا مالک کل دارد یا مالک جزء دارد یا بکلی خورده مالک است اگر خورده مالک است همانطور که آقایان تصدیق دارند هیچ زحمتی ندارد و بطوری که در بنیچه ذکر شده سرباز را حاضر میکنند و مأمورین سرباز گیری هم آن عده را بگیری و تکلیفش معلوم است اما اگر مالک جزء داشته باشد لازم بعرض نمیدانم و بجهتی بموقع است معرفت سرباز را بمالکین واگذار کنیم اما اگر مالک کل هم داشته باشد آنها هم یک صورت دیگر دارد یعنی رعایا میان خودشان از روی کاو بندی یک ترتیبی مرتب میکنند و سرباز میدهند و بنده بکلی مخالفم که اختیار معرفت سرباز بمالک داده شود.

مؤید الاسلام - چون لفظ پاداری مصادیق خیلی مختلفه دارد تا تعیین نشود ما چه معنی از او اراده کرده ایم معلوم نیست چه قسم باید رأی بدهیم اگر کمیسیون میتواند لفظ پادار را معنی کند بنویسند اما دم بدانیم و اگر نمی تواند معنی کند لفظ (پاداری) را بردارند یعنی اگر میتوانند یک معنی برایش معین کنند که ما بفهمیم و رأی بدهیم خیلی خوب ولی اگر نمیتوانند معین کنند چیزی را که نمیتوانند معین کنند ما چطور میتوانیم رأی بدهیم.

حاج عز الممالک - بنده که اجازه خواستم برای موافقت با اساس این ماده بود که الحمد لله بعضی از آقایان اظهار مساعدت کردند و نظریات آنها موافق این دایورت شده است فقط آقای حاج شیخ حبیب الله در زمینه قدیم مخالفت کردند و لازم است یک توضیحی خدمت ایشان عرض کنم اولاً اینکه فرمودند چون معنی پادار را نمی دانم نباید در اینجا نوشت بعقیده بنده نمیشود گفت همه معنی پادار را نمی دانند چون آقا خودشان نمیدانند قدری اشتباه کرده اند و الا خیلی ها میدانند معنی پاداری چیست چیزی که گفته شده این بود که در قانون نمیشود او را تفسیر کرد نه اینکه معلوم نیست در هر جا که لفظ

پادار گفته شود اسم مالک هم رعیت هم سرباز بگیر همه میدانند چه چیز است و یک چیز واضع است و محل اشکال نیست اما نمیشود حالیه آنرا تریح بکنیم بگوئیم ده تومان یا فلاقتدر ملک یا فلاقتدر زراعت داشته باشد نمیشود یک مزانی محدود کرد و در این نقطه نظر گفته شد که نمیشود (پادار) را تفسیر کرد والا یک چیز معمول محل است و همه میدانند چه چیز است عمده نظری که آقای حاج شیخ حبیب الله مخالفت کردند بآن نظر پیشنهاد کردن مالک یا صاحب بنیچه بود در این مسئله سابقاً خیلی مباحثه شده و امروز هم که بنده در کمیسیون بودم در اینجا مطلب روشن شده تمام اشکالات از دو نقطه نظر بود یک عده اشخاصی بودند میخواهند اختیار را بدولت بدهند که دولت هر سربازی را میخواهد بگیرد و یک عده دیگر میخواهند اختیار تعیین سرباز را بدست مالک بدهند و هیچک از این دو نقطه نظر رفع آن اختلافی را که آقایان داشتند نمیکند و بعقیده بنده لازم نیست توضیحات مفصلی در این خصوص داده شود بواسطه اینکه مطلب تا اندازه روشن شده آن اشکالی را که تصور میکردیم در گرفتن سرباز حاصل میشود چه اختیار را بدولت یعنی بمأمورین سرباز گیری میدادیم و چه بمالک میدادیم آن اشکال وارد بود و همینطور که آقای مخبر توضیح دادند هیچ نمیشود گفت چون اخلاق مأمورین بدست حق را بمالک بدهیم زیرا ممکن است مالک هم یک کسی که میخواهد از شرش خلاص شود معرفت کند بجهت اینکه شاید این شخص یک آدم شریری بوده است یا اینکه یک زندگانی دارد و مالک میخواهد از دست او بگیرد آنوقت او را بدست مأمورین سرباز گیری میدهد و همینطور ممکن است هزار جور معایب دیگر داشته باشد و همانطور که ما تصور میکردیم شاید مأمور وزارت جنگ یک حاجی زاده را برای سربازی بگیرد همانطور ممکن است مالک هم یک جتهی همان حاجی زاده را معرفت کند پس حق این است که قائل شویم اشخاصی که در بنیچه دارای شرایط سربازی هستند سرباز شوند آنوقت دیگر نه مالک میتواند یک نفری را از سربازی معاف کند نه مأمور سرباز گیری میتواند یک شخصی را معاف کند و دیگری را عوض او بگیرد در اینجا ابتدا ما اختیار را بهیچکس نداده ایم پیشنهادی هم که آقای مدرس فرمودند و آقای مخبر قبول نمودند مقصود همان بود که هر کس دارای شرایط سربازی است داخل نظام شود منتهی اگر عده زیاد شد قرعه کشیده میشود بسته باقبال است هر کس بقرعه معین شد باید داخل در خدمت شود پس این ماده که حالا نوشته شده است امید است که آقایان رأی بدهند برای رفع اختلاف بهترین طریق است که نه اختیار بمالک و نه بمأمورین دولت داده شد.

رئیس - مذاکرات گویا کافی است؟ چهار قرعه اصلاح رسیده است قرائت میشود، رأی میگیریم. (اول پیشنهاد آقای سید فاضل بمضمون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که تبصره ذیل بماده نهم ملحق شود - تبصره مراد از پادار آن است که اقلاً سرباز دارای معادل پنجاه تومان اهم از منقول و غیر منقول بوده باشد.

پیشنهاد آقای مدرس

بنده پیشنهاد میکنم که بعد از ماده نهم نوشته شود تبصره - پادار کسی است که اقلاً دارای پنجاه تومان علاقه در محل باشد

کمال را با کمال سهوات و داد و ستد خواهد داد لهذا بهترین قانون سر باز گیری همین است که از شور دوم هیئت تقنینیه گذشته و منتظر رای قطعی و آخری مجلس مقدس شورای ملی است که بموقع اجرا برسد این است نظر وزارت جنگ .

رئیس - این مطلب بقدری تازگی داشت یعنی خاطر آقایان مسبق میشود آقای مخبر هم اظهاراتی فرمودند آیا تصویب نمیرسانند که این مطلب بماند برای جلسه دیگر (بعضی گفتند در این جلسه ختم شود بهتر است)

رئیس - پس باید مذاکره کنیم

نظام السلطان - این پیشنهاد را چون خود

بنده هم اضاها کرده ام ناچارم موافقت کنم و عرض میکنم آن اظهاراتی را که آقای حاج امام جمعه فرمودند تا یک اندازه صحیح است ولی خیلی متاسفم از اینکه میفرمایند آذربایجان نماینده خصوصی ندارد .

رئیس - اگر با پیشنهاد آقای حاج امام جمعه موافقت دراصل مطلب فرمایش میفرمایند

نظام السلطان - بله موافقت دلالی را هم که

آقای معاون وزارت جنگ فرمودند تماما تا یک اندازه صحیح است ولی ما میخواهیم بگوئیم که قشون یک مملکتی مثل آذربایجان را بکلی تخفیف بدهیم بلکه میگوئیم تمام مملکت باید یک طور دارای پنجه باشد علاوه این مذاکرات بواسطه مقتضیات امروزه برای گرفتاری و اتفاقی است که برای آذربایجان پیش آمده است و اگر دولت بخواد آن ۲۵ هزار نفر را از پنجه آذربایجان امروز که در تحت سلاح بیآورد شاید مملکت آذربایجان بتواند از قوه دادن این عده سر باز برآید این تخفیف هم که از مجلس تقاضا شد بمملکت آذربایجان داده شود بنده بآن ترتیبی که آقای حاج امام جمعه فرمودند نظر نداشتم بلکه عقیده بنده این بود عوض هر سه سر باز دوزخ بدهند و عقیده ام این است ما که از حالت حاضره آذربایجان مطلع هستیم باید رعایت جان آنها را بنماییم و اگر مجلس در این موقع یک تقفدی بکند و به یک قطعه مملکت مثل آذربایجان یک تخفیفی بدهد گمان میکنم صلاح باشد .

مخبر - بنده گمان این است اینکه میفرمایند این مسئله در همین مجلس مذاکره و تمام شود راجع بوضع قانون سر باز گیری نیست یک مسئله است که خارج از این موضوع است حالا باید در کابیت قشون رای داده شود و بگذرد این ماده بکمسیون رجوع شود با نماینده وزارت جنگ در این خصوص مذاکرات شود و بعد از مذاقه هر طور صلاح دیدند همانطور رفتار نمایند .

مدحت السلطنه - اولاً بنده تصور میکنم

که اگر از یک معنی نماینده در مجلس نباشد این ایراد وارد نیست زیرا تمام این و کلا نماینده ایران میباشد و اینکه فرمودند ۲۷ هزار قشون برای آذربایجان زیاد است و باید کم شود تصور میکنم برای کم شدن عده پنجه خود اهالی آذربایجان هم راضی نباشد برای اینکه اهالی آذربایجان همه وقت پیش از تمام مملکت برای حفظ این مملکت و فداکاری حاضر بوده اند و همه آقایان مسبقند که چه نوع

جانشان بپا کرده اند و بهتر از هر کس برای این آب و خاک خدمت کرد و میکنند و بهمان دلالی که آقای مخبر فرمودند علت اینکه بنده سر باز آذربایجان را زیاد کرده اند بلا حظه شجاعت و رشادت آنها با وجود حیث اهمیت سرحدی بوده است بنده هم عرض میکنم بهمان دلائل آذربایجان باید از همه جا بیشتر سر باز بدهد برای اینکه آذربایجان امروز بیشتر از همه جا محتاج به امنیت و انتظام است و تصدیق خواهند فرمود که امنیت و انتظام هم محتاج بقشون است و فرستادن قشون هم از عراق و همان فارس یا خراسان با آذربایجان برای انتظام و خدمت خیلی مشکل است و باز هم تجدید میکنم با فداکاری هائی که آذربایجان برای این مملکت کرده است بنده این مطلب را برای آذربایجان یک نوع وهنسی میدانم و امروز آذربایجان حاضر است تمام نفرت خودش را بدهد بجهت اینکه مادر عمل این مطلب را بخوبی دیده ایم و اگر چنانچه این فرمایش را نظر ببحرانی که اخیراً در آذربایجان فراهم آمده است میفرمایند بطوریکه آقای معاون وزارت جنگ فرمودند ممکن است موافق ماده دهم رعایت بشود یعنی اگر دولت دید نمیتواند این عده را بدهد نمیگردد البته خود دولت رعایت این مسئله را خواهد کرد ولی بنده موافق هستم که از این بیست و پنجه هزار نفری که اضافه بر ماخذ پنجه شده است و حالا بصد هزار نفر میرسد از این عده که زیاد میشود آذربایجان را معاف بدارند و از آذربایجان زیاد از آن عده که سابق مبادا است بگیرند و بآن حال قشونی خودش بماند و تصور میکنم اگر در این موضوع بخواهیم امروز حرف بزنیم و از عده قشون آنجا بکاهیم مجبوریم آن عده را که از آذربایجان کم میکنیم بجای دیگر اضافه کنیم و در اینصورت بکلی ترتیب پنجه قدیم بهم بخورد و اگر باین اهمیت امروزه و باین احتیاجی که امروزه ما بقشون داریم پنجه تغییر کند چندین ماه بلکه چندین سال طول میکشد تا ما بتوانیم پنجه صحیحی بطور تساوی تبیین بکنیم اگر چه ما معتقدیم باینکه پنجه تغییر کند و یک پنجه صحیحی داشته باشیم ولی نه امروز پس بهتر این است امروز به همین ترتیب پنجه معمول شود و در آتی بطور تساوی یک پنجه برای مملکت تهیه کنند که تمام اهالی مملکت بطور تساوی یک حالت معتدلی قشون بدهند .

حاج شیخ اسدالله - در اینکه این یک

تعمیلی است که سابق معمول بوده و اگر امروز بخواهیم مطابق همان پنجه رفتار کنیم و این عده را بر اهالی آذربایجان تحمیل کنیم یک چیزی است که اهالی آذربایجان از عهده آن بر نخواهند آمد حرفی بیست و همه آقایان تصدیق دارند که ثلث آذربایجان امروزه بکلی از حیز انتفاع افتاده است منتهی چیزی که آقای معاون میفرمایند این است که در ضمن این قانون یک ماده نوشته شده است که اگر مجلس استمداد دادن سر باز را نداشته باشد با موافقت نظر وزارت مالیه تخفیف داده میشود ولیکن فقره دیگری را ملاحظه نفرموده اند که مینویسد باز تحمیل بر همان حوزه خواهد شد بنده عرض می کنم حوزه از برای آذربایجان باقی نمانده و باید این مطلب را از نظر دور نداریم که یک قانونی که نوشته میشود باید ممکن الاجرا باشد یعنی عملی باشد یعنی بتوان آن را بموقع عمل آورد بنده حرفی ندارم که این قانون

سر باز گیری ۹ مجلس آمده است رای در گپایش داده شود و بگذرد ولی اساساً باید این مطلب یک ترتیب صحیحی نوشته شود و این پیشنهادی که میشود باید یک مدتی داشته باشد یعنی یک قرار داده شود که اهالی آذربایجان بتوانند از عهده انجام وظایف خودشان برآیند و الا اگر بهمین حال بخواهیم باقی بگذاریم بگوئیم مطابق پنجه قدیم باید سر باز خودشان را بپردازند بنده عرض میکنم هیچ صورت خارجی پیدا نمیکند و روی گفته میماند و نمی توانند از انجام و ادای آن سر باز بر آیند بنده مخالفت ندارم که در کلیات این قانون هم رای گرفته شود ولی باید این پیشنهاد رجوع به کمیسیون نشود و یک قرار داده شود و یک موادی نوشته شود که اهالی آذربایجان بتوانند از عهده بر آیند .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بنده ندانستم معنی مخالفت کردن چیست یعنی هر کس مخالفت میکند میخواهد این قانون را رد بکند یا این پیشنهاد یک پیشنهاد علیحده است که می خواهند بعد قبول شود ؟ . . .

رئیس - مذاکره مراجع باین ماده است
آقا شیخ ابراهیم - بله با قانون موافقم .
رئیس - پیشنهادی که کرده اند باید فهمید باین پیشنهاد مخالفت میفرمایند .

آقا شیخ ابراهیم - با پیشنهاد مخالفت اولاً وقتی که سر باز را بمملکت توزیع کرده اند به عقیده بنده گویا یک تحمیل زبانی بر آذربایجان شده باشد بجهت اینکه همچو بنظر میآید که عده نفوس آذربایجان رابع این مملکت بوده و عده سر بازی که بر آنجا تحمیل شده است موافق پنجه قدیم سی هزار بوده است یعنی سر بازی که بر آنجا تحمیل شده ربع سر باز داخلی تمام مملکت بوده است زیرا سر باز اصلی یکصد و بیست هزار نفر بوده و سی هزار نفر آنرا که موافق ربع بوده یعنی تحمیل کرده اند حالا اگر بخواهیم این نظریات را در مملکت ملاحظه کنیم می بینیم خیلی تغییرات در مملکت پیدا شده خیلی جاها خراب شده و خیلی جاها آباد شده مثلاً خمسه با آن کوچکی دوقط دو هزار و دویست سوار دارد پس اگر اینطور باشد بآنجا هم تخفیف بدهیم در صورتی که تصدیق خواهیم کرد تحمیل بی جانی نبوده و بطور تساوی بوده حالا چرا بیجا شده است و اگر بخواهیم این امر را اصلاح بکنیم موقوف بمیزی است که در تمام جاها یک میز میزایاتی نشود آن که میز میز جدید نشده نشود تغییر داد چون در مملکت تغییرات خیلی پیدا شده است حالا باید فهمید که مثلا اگر از یکجائی یک عده بر داشتیم باید بکلی موقوف باشد اصلاً نباشد یا خیر می خواهیم بجای دیگر تحمیل کنیم و عده سر باز همان است که برای داده شده و حالا که یک عده از اینجا برداشته میشود بجای دیگر تحمیل میشود ولیکن فقره دیگری را ملاحظه نفرموده اند که مینویسد باز تحمیل بر همان حوزه خواهد شد بنده عرض می کنم حوزه از برای آذربایجان باقی نمانده و باید این مطلب را از نظر دور نداریم که یک قانونی که نوشته میشود باید ممکن الاجرا باشد یعنی عملی باشد یعنی بتوان آن را بموقع عمل آورد بنده حرفی ندارم که این قانون

دادن سر باز را ندارد وزارت جنگ بنظر با صمیمیه و بنظر وزارت مالیه میتواند آن عمل را که صلاحیت سر باز دادن را ندارد از دادن سر باز معاف بدارد و بجای دیگر یعنی بجای که صلاحیت دارد تحمیل کند نه اینکه یک تحمیل فوق العاده بیک محل دیگر که استطاعت دارد بکند حالا باید مقصود را فهمید که آیا مقصود این است به آنجا تخفیف داده شود و هیچ نباشد یا اینکه به آنجا تخفیف داده شود و بجای دیگر تحمیل شود در صورت ثانی هم آن محلی که باید این سر باز بر آن تحمیل شود و باید معلوم شود با اینکه باختیار وزارت جنگ و گذاشت که مثلا ده هزار نفر به آذربایجان تخفیف داده شود و بعد بوزارت جنگ واگذار کنیم که بهر جا دلش میخواهد تحمیل کند چرا اینطور نیست باید محل و جایش را معین کرد علاوه باید فهمید که کلیات این قانون باید برای داده شود یا اینکه باید موقوف بتبیین این مطلب باشد این ها را باید فهمید .

حاج امام جمعه - بنده تصور میکنم در مجلس یک حرف ساده و واضحا که خیلی منطقی است و خیلی هم واضح و ساده است آقایان و کلاه آنقدر بیخ و خم بیندازند بنده عرض میکنم آذربایجان هشت یک این مملکت نفوس دارد و باید بقدر هشت یک این قشون بشود بدهد آخر شما میفرمایید این مملکت مشروطه است مساوات است عدل است من میگویم این حکم از مجلس شورای ملی صادر بشود با آذربایجان جور میشود من هیچ نتوانستم بفهمم آقایان در مقابل این عرض من چه میفرمایند اینکه میفرمایند آذربایجان حاضر است تمام عده اش را بدهد عرض میکنم با تعارف که قشون درست نمیشود چون من میخواهم که قشون درست بشود و این مملکت صاحب قشون باشد و مثل سابق باشد و فقط اسم و روی کافند نباشد میخواهم این مملکت قشون داشته باشد و از آنجا بکند بنده از آذربایجان مطلعم شما را اطلاع میدهم که آذربایجان استمداد دادن اینقدر قشون را ندارد حالا آقای حاج شیخ ابراهیم زنجانی میفرمایند آنجا ربع مملکت است و گمان این است بعد از نطق من یکی بر خیزد و بگوید نصف این مملکت است و باید بقدر نصف مملکت قشون بدهد بسیار خوب من حرفی ندارم اما اینکه میگویند آذربایجان راضی است این هم خیلی غریب است آذربایجانی که حاضر است فردا سؤال میکنند که ما از شما میخواهیم قشون زیاد بگیریم آیا حاضر هستید یا نیستید اگر گفتید حاضر نیستیم کسی با آنها معارضه ندارد اینها تعارف و از حرف دور شدن است باز عرض میکنم که شما بانصاف بحرف من برسید ببینید سابق که سر باز میآوردند کسی میآورد وجه میآورد آیا سر باز را سه تومان و نیمه که دولت میداد یا پنج تومانی که مالک باو رعایت میکرد میآورد خیر اینها اورا نمیآورد مسلمانان انصاف بدهید او را قدرت دولت میآورد اجبار میآورد وقتی هم میآید در اینجا قصابی و نانوایی میکرد کی برای شما تفنگ بر میداشت شبوروز خدمت کند اما امروز میخواهیم راستی سر باز داشته باشیم یک قدری با انصاف حرف مرا گوش بدهید ما میگوئیم میخواهیم قشون داشته باشیم سر باز داشته باشیم در آذربایجان دهی که صد تومان مالیات دارد باید پنج نفر سر باز بدهد و در بعضی جاهای دیگرش باید هشت نفر سر باز

بدهد فرضاً این هشت نفر سر باز را در این ده حاضر کردیم و وزارت جنگ هم مأمور فرستاد و آمده را گرفت آنوقت میخواهند بطهران مسافرت کنند دوست تومان کمتر مخارج آنها است آنرا که دولت نخواهد داد پس باید آن سکنه بدبخت بهر یکی از آنها پنجاه تومان بدهند و برای خدمت بفرستند حالا تصور بکنید ملکی که صد تومان مالیات دارد زیادتر از چهار صد تومان باید سر باز بدهد این نشدنی است بسیار خوب روی کافند بیاورید و همانطوریکه معاون وزارت جنگ میگویند صد هزار قشون بگیرند بنده هم میگویم بگیرند بلکه بنده و خیلی اشخاص دیگر از خدا آرزو میگردانیم که قشون ما از صد هزار نفر هم خیلی بیشتر باشد و قشون گیری بطور اجباری عمومی باشد و اشخاص را که از بیست سال بیشتر و از سی سال کمتر دارند تمام را یا نصف یا ثلث آنها را دولت حکم کند در تمام مملکت زیر سلاح برونند و دولت هم قادر باشد کسوف و نطقه آنها را بدهد آرزو را ما از خدا میخواهیم ولی امروزه که نداریم آخر من میخواهم قشون داشته باشیم این است که میگویم این نشدنی است بسیار خوب من که با کثرت مجلس معارضه ندارم من باید رای خود را بگویم اطلاعات خودم را بگویم و از حقوق یک جماعتی که اینقدر فلک زده اند مدافعه کنم اینکه میفرمایند همه ما نماینده همه جا هستیم و حقوق همه را مدافعه میکنیم الحق همینطور است مدافعه و محافظه حقوق همه را میفرمایند من عرض میکنم این کار نشدنی است آذربایجان نمی تواند این عده را بدهد اگر میخواهد روی کافند باشد من چه حرف دارم اما اینکه گفتند آیا مقصود من این است که از اصل قشون تخفیف داده شود و یا از جای دیگر عرض آنها را بگیرند عرض میکنم مقصود من این است که از جای دیگر بگیرند و از آنقدری هم که پیشنهاد شده است بکفتری علاوه شود بنده عرض میکنم در مملکت مشروطه حاکم قانون است اشخاص حاکم نیستند این را تصدیق دارید و یا این را هم تصدیق ندارید در مملکت مشروطه حکومت با قانون است و اشخاص مجری قانون هستند بنا بر این من نمیتوانم تصدیق کنم که اختیار بوزارت جنگ داده شود که او هر طور دلش میخواهد رفتار کند ای مسلمانان مگر شما اخلاق اهل این مملکت را فراموش کرده اید فرداست که بیست هزار نفر مأمور وزارت جنگ را بر مردم و اموال مردم مسلط میکنند من میگویم این عده که از اینجا کسر میشود از محل با سکنه استمداد دارند و باید قشون بدهند و تا حالا نداده اند بگویند یعنی مجلس پیشنهاد کند و مجلس رای بدهد من نمیفهمم کجای این حرف معیوب است در مقابل این حرف چه میگویند آیا میگویند چون در پنجه آذربایجان قشون زیاد بوده ما مجبوریم قشون را زیاد کنیم باید این قشون را هم با آذربایجان تحمیل کند شما را بخدا این دلیل شد این حرف منطقی است این حرف که منطقی نیست این که دلیل نمیشود میگویند چون از یک مملکت نماینده در مجلس نیست باید بآنجا تحمیل کنیم بسیار خوب خودم را اظهار کنم .

رئیس - خیلی ولایات هستند که نماینده ندارند و همه قسم حمایت از آنها میشود .

حاج امام جمعه - اینجا هم باید بشود پس چرا نمیشود .
سر دار معظم - اولاً بطور کلی باید گفته شود که عده قشون باید ترتیب سابق باشد و نباید گفته شود که عده قشون هر معنی باید متناسب با عده آن محل باشد پس تصور میکنم این اشکال وارد باشد بجهت اینکه در تعیین عده قشون فقط عده نفرت اهالی محل مدخلیت ندارد بلکه عادات و خصوصیات محل یک مدخلیت فوق العاده در این امر میتواند داشته باشد چنانکه ممکن است صد هزار نفر اهالی یک محل لایق دادن یک نفر سر باز نباشد و بعکس یک ایالات خیلی شجاع و رشیدی باشد که با وجود اینکه از حیث عده خیلی کم هستند استمداد دادن عده زیادی قشون را داشته باشد بطور کلی نمیشود عده جمعیت هر محل با قشون آنجا نسبت داده شود مثلاً اینکه بعضی از معاهدات استیم که تا بحال بواسطه اینکه آنها را مشغول یک کار های دیگری کرده بودند و بواسطه بعضی پیش آمد ها و نداشتن شرایط ازدادن سر باز مجبور بودند و بعکس بعضی از محل ها بواسطه بعضی عادات یا بواسطه سرحدی بودن و شجاعت عده زیادی قشون میداده اند از این قضیه هم بنده صرف نظر میکنم و با وجود عدم مخالفتی که با پیشنهاد آقای امام جمعه دارم عرض میکنم اصلاً مذاکره این پیشنهاد در ضمن کلیات این قانون وارد نیست اشکال من در اینجاست بجهت اینکه این قانون برای قشون دیگری نوشته شده است علاوه این نکته هم باید گفته شود که هر هیچ یک از مواد این قانون تقسیم عده کل بعمل نشده است که ما میتوانیم در ضمن مباحثه و تقسیم عده کل بجهت بگوئیم کجا زیاد است یا کجا کم است بنده شاید با آقای حاج امام جمعه خیلی هم موافق باشم ولی در اینکه این عده زیاد است یا کم است یا کافی است بالاخره وقتی خواستم رای بگیریم و نتیجه بگیریم نمیدانم این پیشنهاد و این ماده باید بکجای این قانون چسبانده شود اگر گفته شود این ماده یک ماده الحاقیه راجع بعده قشون آذربایجان خواهد بود بعد بنده هم عرض خواهم کرد که یک ماده الحاقیه هم در خصوص عده قشون خراسان باید پیشنهاد شود یکی دیگر هم خواهد گشت که من هم یک ماده الحاقیه راجع بقشون مازندران پیشنهاد میکنم و آنوقت این یک چیزی است که قشون گیری باید اساس قشون گیری معین بشود و اگر لازم باشد عده را معین کنند باید یک لایحه دیگری که اسم آن بودجه دروزارت جنگ است معول شود در ضمن آن بودجه عده قشون معین شود و با وجود اینکه باید این مطلب در ضمن بودجه وزارت جنگ معین شود مهلتاً برای احتیاط در این جا یک ماده گذاشتم که عده قشون صد هزار نفر باشد ولی تقسیم آنرا در موقع شور این قانون نباید معین کرد بلکه تقسیم قشون دو مورد دارد لاغیر یعنی هر کس با هر نماینده بخواهد میتواند عده نفرت قشون محل خودش را جرح و تعدیل کند ولی این چه وقت است بایک وقتی است که تعدیل و میزگی کل بکند و عده قشون هر جایی را مطابق مالیات آن محل تعیین کنند یا وقتی وزارت جنگ مطابق یک ماده از این قانون صورت صد هزار نفر را معین

کرد و آنصورت را بمجلس تقدیم نمود آنوقت باید در آنجا جرح و تعدیل کرد و گفت فلانجا صدمه قشون زیاد است و فلانجا کم است و الا در این قانون که قانون اساسی قشونگیری است میشود عدله قشون ناقصا را معین کرد در لایحه دگرهم ممکن است این کار را کرد و آن بودجه وزارت جنگ است که از آن رو بکلیه قشون حقوق معنی داده میشود یعنی وقتی در بودجه وزارت جنگ مذاکره میشود در ضمن مباحثه بودجه که حقوق هر دسته یا فوجی معین میشود ممکن است عدله قشون جرح و تعدیل کرد و از عدله فلانجا کاست یا بمده فلان نقطه افزود پس وقتی نقطه نظر بخواهیم نگاه کنیم بدون اینکه يك ذره با اظهارات آقای حاج امام جمعه اظهار مخالفت کرده باشیم متعجبیم که بالاخره بعد از تمام این مذاکرات این ماده در کجای این قانون باید نوشته شود آیا وقتیکه باید برای در کلیات این قانون گرفته شود میتوان برای يك همچو اشکالی این قانون را رد کرد؟ خیر نمیشود پس بالاخره این اشکال يك اشکالی است که بر فرض هم وارد باشد جایش در این قانون و در ضمن شور در کلیات این قانون نیست بلکه جایش چنانچه عرض کردم یا در آن صورت کلی است که وزارت جنگ باید مرتب بکنند و مجموع صده هزار نفر را تقسیم کنند یا در بودجه است و بالاخره در خاتمه عریض خود عرض میکنم خوبست مجلس شورای ملی يك مدافعی برای این لایحه هم تعیین کند بجهت اینکه آقای مخبر خودشان با این پیشنهاد موافق نیستند و این لایحه مدافع ندارد .

رئیس - آقای حاج امام جمعه يك ماده الحاقیه پیشنهاد کرده اند و خودشان هم مقاد آن پیشنهاد را گفتند و چون مفصل نبود قرائت نشد حالا اگر لازم باشد قرائت میشود بعد مذاکره می کنیم و چون بنده دیدم آقای مخبر موافقت و مدافعی نیست و اذهان آقایان هم حاضر نیست عرض کردم بماند برای جلسه دیگر .

حاج امام جمعه - خوبست بفرمایید پیشنهاد مرا بخواهند .

رئیس - آقای حاج امام جمعه پیشنهاد می کنند که رأی در کلیات بماند برای جلسه دیگر تا ماده الحاقیه بمجلس بیاید و تکلیفش معلوم شود رأی میگیریم آقایانیکه این پیشنهاد را قبول می کنند بنام نمایند .

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - رده شده ماده الحاقیه قرائت میشود .

(بعضیون ذیل قرائت شد)

ماده الحاقیه - پیشنهاد بنام یاد از هر دو نفر قشون در آذربایجان وزارت جنگ مطالبه بکنند و خواهد نمود .
حاج عز الممالک - بنده متأسفانه مخالف هستم که يك همچو ماده بقانون سر باز گیری الحاق شود و اینکه آقای حاج امام جمعه فرمودند این مطلب خیلی ساده است بعقیده بنده اینطور نیست و نمیشود این مطلب را اینطور کوچک و ساده تصور کرد برای اینکه باید پیشنهادی که از دو نفر يك نفر یا از سه نفر دو نفر گرفته شود نصف یا ثلث قشون آذربایجان تخفیف داده خواهد شد و بهمینطور که فرمودند اگر قشون آذربایجان در نتیجه سی هزار نفر باشد اگر باین پیشنهاد بدون تأمل رأی بدهیم بازنده

هزار نفر از این سی هزار نفری که تا بحال معمول بوده است و بدولت خدمت می کرده اند حذف می شود و آنها را از خدمت معاف می کنیم پس این يك چیز بسیار مهمی است البته بهمینطور که بنظر مبارک آقا رسیده و توضیح دادند بنظر بنده هم باید خیلی توضیح داده شود تا افکار آقایان نمایندگان حاضر شود بنده هیچ نمیتوانم تصور کنم که يك تعدیل تازه بآذربایجان میشود بجهت اینکه مسأله امروز نمیخواهیم بر قشون آذربایجان چیزی اضافه کنیم که بیائیم رأی بدهیم و بازنده هزار نفر از قشون آذربایجان را کم کنیم بهمینطور که آقا فرمودند اگر از اهالی آذربایجان پرسیم حاضر دستید سر باز خودتان را بدهید یا نه ؟ در صورتیکه معمول بوده است و میداده اند خواهند گفت خیر نمیتوانیم بدهیم بهمینطور اگر از آن نقاط هم که میخواهیم این بازنده هزار نفر را با آنجا تعدیل کنیم سؤال کنیم حاضر هستید یا نه ؟ معنی است جواب منفی آنها خیلی بیشتر خواهد بود بجهت اینکه تا بحال نمیداده اند و البته حالا هم نمیخواهند بدهند بنده عرض میکنم سخت ترین قشون افراد قشون آذربایجان بوده است برای اینکه قشون آذربایجان پیاده از آذربایجان بیوشهر میرفت و در آنجا خدمت میکرد و در واقع يك همچو سر بازی نادر است که اینطور خدمت کند ما چطور حالا قلم (۹) روی آنها بکشیم و آنها را از خدمت معاف کنیم اگر هم نقطه نظر خرابی املاک است و میفرمایند يك قسمت از آذربایجان صدمه دیده است و قادر نیست سر باز بدهد ماده ده جبران این مسئله را میکند برای اینکه ما رأی دادیم هر جانی قادر نیست سر باز ببنجه خودش را بدهد و وزارت جنگ با نظر وزارت مالیه آنجا را ازدادن سر باز معاف نمایند اما اینکه فرمودند مخارجی که دولت میدهد کافی نیست و سر باز نمیتواند با آن حقوق خدمت کند عرض میکنم باید تصور کرد حقوقی را که امروز دولت به سر باز میدهد غیر از آن حقوقی است که سابقا میداد و سر باز مجبور بود بعضی کارهای دیگر بکند و امروز دولت يك حقوق کافی سر باز میدهند و البته حقوق آنها مطابق بودجه وزارت جنگ خواهد بود و مسلم است قانونی که دولت تحت سلاح خواهد آورد البته بقدری بآنها حقوق خواهد داد که میتواند بر احتی زندگی کند پس اگر نظر بمعدل مساوات و آن اظهاراتی که آقا فرمودند باشد این مطلب مربوط باین لایحه نیست و باید بموجب يك ترتیب جدیدی مثل میزنی و تعدیل قوای نظامی باشد و البته هم نمایندگان حق دارند پیشنهاد کنند و هم دولت حق دارد پیشنهاد کند و هر موقعی بکنم لایحه بمجلس بیاید باید بقدرت ملاحظه همه را بنمائیم عدله نفوس را ملاحظه کنیم مالیات را ملاحظه کنیم و هم اینطور که آقای سردار معظم توضیح دادند حیثیات اخلاقی و سرحدی همه آنها را ملاحظه کنیم و بیائیم میتوانیم تحت سلاح بیایند و قشون بدهند یا نهی توانند ؟ الا باید این صدهزار نفر قشون بطور کلی تصویب شود بعهده قشون هم جاراد نظر گرفت قشون آذربایجان را هم در ضمن آن مطرح مذاکره قرارداد که آیا باید بدهیم حال باقی باشد یا باید کمتر باشد یا بیشتر باشد ولی امروز کما میخواهیم در کلیات این قانون رأی بدهیم مواقع اینکار نیست زیرا ما نمیخواهیم يك چیز جدیدی بجای تعدیل کنیم که بگوئیم این

قسمت از مملکت باید معاف باشد ما امروز میگوئیم اساس بنیچه که تا بحال معمول بوده البته از روی يك عدل و انصاف بوده است معمول باشد پس نمیشود گفت چون فلانجا قشون زیادتر میداده معاف باشد شاید نسبت بجایهای دیگر مالیات کمتر میداده پس امروز نمیشود گفت چون آذربایجان از روی عدله نفوس بیشتر از همه جا قشون میداده است حالا از دو نفر بکنفر گرفته شود و بکمتر به بیائیم ۱۰ هزار نفر آنرا تخفیف بدهم بر فرض که آدمیم و تخفیف دادیم آنوقت این بازنده هزار نفر را بکجا تعدیل کنیم بملاوه گمان میکنم این تعدیل تنها به آذربایجان نبوده است بلکه سایر جا ها هم اینطور بوده است مثلا عراق پنج فوج میدهد اما کردستان يك فوج میدهد در صورتیکه معلوم نیست عدله نفوس کردستان کمتر از عراق باشد و بیشتر هم باشد پس این يك ترتیب جاری است و امروز ما نمیتوانیم پیشنهاد کنیم دو فوج عراق بکردستان تعدیل نشود زیرا این مطلب يك چیز تازه است و حقیقه بدون وقت کامل و بدون يك مذاکره زیاد نمیشود همچو رأی داد که يك قسمت قشون از یکجائی حذف شود و به يك جای دیگر تعدیل شود ولی فردا که عدله قشون پیشنهاد میشود ملاحظه خواهند فرمودند که افراد ماها نسبت به بیکدیگر سر بازی که بیک ده تعدیل شود چه مخالفت ها خواهیم کرد پس امروز نمیشود این قشون را حذف کرد و باید بکلیات این لایحه رأی داد و مقرر کرد که وزارت جنگ موافق این قانون بر طبق معمول سابق از بنیچه هر محلی قشون بگیرد منتها اگر دولت باید تعیین کند از روی عدل و انصاف و تناسب باشد باید بواسطه لوایح دیگر این اشکال را رفع نماید و الا بواسطه این ماده که امروز پیشنهاد شده نمیشود بازنده هزار قشون را لغو کرد یا بکلیات این قانون رأی نداد .

حاج امام جمعه بنده که در اول مجلس خیلی کم عرض میکردم گمان میکنم حالا باید عرض همه را تلاقی کنم اولاً آقای سردار معظم فرمودند این مطلب بکجای کلیات این قانون مربوط است عرض میکنم یکی از مواد این قانون مینویسد مطابق بنیچه سابق سر باز گرفته شود بنده در اینجا مخالفم و عرض میکنم این ماده نسبت بیک صقع مملکت تعدی است و عرض دیگری که دارم این است که هر قانونی که میخواهند وضع کنند و در مملکت همینطور است تا پایه و اساسش بر روی عدل و انصاف وضع شود یا مجرا شود آیا میفرمایند چون آذربایجان تا بحال اینقدر قشون داده است باید بازم همانقدر را بدهد ؟ تمام فلسفه فرمایشات شما را که در اول مغرب تا بحال گوش میکنم فقط این است که چون سابق آذربایجان این مقدار قشون را میداده است حالا هم باید بدهد فلسفه را بنده نتوانستم بفهمم عرض میکنم اگر بنابود تمام کارهایی که تا امروز میشده تصویب کنیم پس این چه اوضاعی بود این اساس برای این بود که هر کدام از کارهای سابق بی فایده است تغییر پیدا کند بمن جواب میدهند که چون آذربایجان تا بحال آنقدر قشون میداده حالا هم باید بدهد شمارا بخدا و بانصاف و وجدان خودتان قسم میدهم این جواب من است من میگویم شما که میگوئید مملکت مشروطه است مساوات است تا بحال

بآذربایجان تعدی میشده حالا نباید تعدی کرد شما چه میگوئید اینکه آقای سردار معظم گفتند یاره ملاحظاتی در قشون گیری ملاحظه میشود البته من هم قبول دارم یاره ملاحظاتی میشود اما نه باین درجه که بگوئیم يك من مملکت بیش از ثلث قشون آن مملکت را بدهد اینکه میفرمایند این قشون را برای حفظ خود آذربایجان میخواهیم البته من هم تصدیق دارم قشون در مملکت برای محافظه مملکت است از همه جا بیشتر بگیرد از آنجا هم بیشتر بگیرد اینکه میگویند از هیچ جا نمیگیریم یا نمیتوانیم بگیریم باید بانجا تعدی کنیم شهدا و رسوله ظلم است باوصف این اگر من میدانستم این قشون برای مملکت قشون میشد میگفتم نگذار اینجسار ده سال آذربایجان در تحت فشار باشد تا يك ترتیبی داده شود اما میدانم نمی شود اما اینکه آقای حاج عز الممالک فرمودند ماده دهم جبران آنرا میکنند حاج شیخ اسدالله خوب گفتند ماده دهم میگوید اگر جایی خراب باشد از همان حوزه باید گرفت اینقدر را هم تصدیق ندارید که این حوزه فلک زده ویران شده است ؟ ای مسلمانان آخر همه مطلبید چرا یکی نمیگوید بلی یا نه آیا چرا هیچکدام تصدیق نمیکنید آیا اینرا تصدیق دارید که خیلی از دهات آنجا ویران شده است ؟ یا تصدیق ندارید ؟ اگر تصدیق دارید سر باز بنیچه آنجا را بکجا باید بدهد ؟ آخر مسلمانان بکفندی ملاحظه کنید من میگویم باید طوری قانون را وضع کرد که مجری شود اگر فقط میخواهید روی کاغذ باشد من هیچ حرفی ندارم اما اگر میخواهید مجری شود این ترتیب قابل اجرا نیست اینکه آقای حاج عز الممالک فرمودند با این رأی چهارده یا نوزده هزار نفر قشون می افتد بنده هم میدانم می افتد بلکه میگویم افتاده است نه اینکه می افتد و مقصود این است که بیجهت مأمورین وزارت جنگ اشخاص فلک زده را که تادو ماه نمیتوانند عریض خود را بمجلس شورای ملی بایشه وزراء برسانند در تحت فشار نیاورند مقصود این است همانطور که عرض کردم در مملکت مشروطه حاکم قانون باشد و دیگری مجری آن باشد اما می بینیم که این قانون نمیتواند حاکم باشد و شما نمی توانید از ده ویران سر باز و خراج بگیرد باز شما میفرمایید باید در این قانون رأی بدهیم و مجری شود بسیار خوب من که در مقابل اکثریت نمیتوانم بگویم و اما اینکه میفرمایند در کلیات رأی بدهیم و این ماده الحاقیه را برای بده میگذاریم معنیش این است که باید باین قانون رأی بدهیم و این فلک زده های آذربایجان را بعد از این همه فشار ها باز بیک فشار دیگری بیندازیم در اینصورت اگر مجلس شورای ملی این را با اکثریت تصویب کرد من بکنفر چه میتوانم بکنم .

معاون وزارت جنگ - ده ویران طبعاً از مالیات و سر باز همه چیز معاف است وزارت جنگ هم هر قدر بخواهد بگیرد نمیتواند بیکدسته ملائکه هم بیاید حوره هم داشته باشند از نمیتوانند بگیرند پس يك قانونی که ده یا نوزده جلسه مجلس مقدس را بخود مشغول کرده و بیک صورت معقولی خاتمه پیدا کرده امروز نماینده وزارت جنگ پیشنهاد می کند مجلس رأی قطعی خودش را بدهد و اگر پیشنهادی

هم در این موضوع دارید چنانچه نماینده خراسان اظهار کردند بفرستد بکمسیون در آنجا مطالعه میشود بملاوه این را هم بدانند که بنده نمیتوانم يك سر باز آذربایجان را بده نفر سر باز یزدی بدل کنم لهذا باید این قانون بگذرد و پیشنهاد های راجع باین تحقیقات بیاید در کمسیون که در آنجا مذاکره شود و البته وارت جنگ در ضمن بودجه ترتیبی که لازم است صورت خواهد داد .

رئیس - آقای نظام السلطان پیشنهاد کرده اند چون راجع بدستور است قرائت میشود رأی میگیریم (باین مضمون قرائت شد)

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه بنده پیشنهاد میکنم که در کلیات قانون سر باز گیری رأی گرفته شود و این پیشنهاد بماند تا طرح قانونی آن طبع شود و بکمسیون برود .

رئیس - آقای نظام السلطان (رأی گرفته شود) است .

نظام السلطان - بلی .

رئیس - پس لازم برای گرفتن نیست چون تصور کردم نوشته اید (رأی گرفته شود)

سردار معظم - چون گفته شد بیکانه دلیلی که در اینجا اقامه شد سابقه بود و هیچ دلیل دیگری نبود بنده میخواهم چند کلمه دیگر عرض کنم و تصور میکنم این دلیل را اقامه نکردم بنده سابقه را در قشون گیری دلیل نمیگیرم و مدخلیت نمیدهم عرض میکنم هیچ سابقه در کار نیست و این پیشنهاد هم پیشنهاد خیلی خیلی خوبی باشد با این وصف جای این پیشنهاد اینجا نیست بجهت اینکه مذاکره راجع بکلیات قانون قشون گیری است و در هیچیک از مواد این قانون تقسیم قشون را بولایات ذکر نکرده است که در خصوص آذربایجان يك همچو رأی بدهیم بلی در بعضی مواد اشاراتی هست بلکه بطور تصریح گفته شده است از چه محلها باید قشون گرفته شود ولی بعضی مواد هست که از این اشکالات جلوگیری میکنند اگر چه مقتضی این بود که کلیتاً عدله قشون در این لایحه معین نمیشد بعلت اینکه سال بسال قوای مملکت در تغییر است و ممکن است یکسال دولت توانائی داشته باشد بصد و پنجاه هزار نفر حقوق معنی بدهد و یکسال دیگر به هفتاد و پنج هزار نفر بدهد بنابراین بهتر بود در قانون عدله قشون قید نمیشد ولی حالاً که مقید شدیم صد هزار نفر باشد دیگر تصور میکنم صلاح نباشد داخل تقسیمات آن صد هزار نفر شویم و البته بهتر این است که تقسیمات این صد هزار نفر را بیکي از دو مورد واگذار کنیم و فعلاً باین قانون رأی بدهیم بعد بر طبق همین قانون وزارت جنگ مکلف خواهد بود که از روی دقت يك صورتی حاضر کند و در آن صورت محل این صد هزار نفر را ذکر کند آنوقت آن صورت را که در واقع ضمیمه این قانون خواهد بود بمجلس بیاورد و هر طور مقتضی است نمایندگان محترم آن صورت را جرح و تعدیل کنند و در هر محلی لازم است عقیده خود را بگویند و پیشنهاد کنند تا اینکه این مسئله در ضمن بودجه ذکر شود بنده هر چه فکر میکنم می بینم بموجب یکماده الحاقیه نمیشود این مسئله را در این قانون ذکر کرد زیرا بمجرد اینکه در یکماده ما تکلیف قشون آذربایجان را معین کردیم قطعاً باید در تحت

معاون وزارت جنگ - وزارت جنگ هم در این پیشنهاد نمیتواند رأی بدهد بجهت اینکه باید ملاحظه و دقت های لازمه را بکند و خلاصه

یکماده دیگر هم تکلیف قشون کرمان رامعین کنیم و در تحت یکماده دیگر تکلیف قشون خراسان را معین کنیم و آنوقت مجبور خواهیم شد آن چیزهایی را که نباید در يك قانونی ذکر شود در اینجا ذکر کنیم و البته از هر نقطه نظری تصور بفرمایید غلط خواهد بود و با اینکه ممکن است بنده کمال موافقت را با آقای حاج امام جمعه داشته باشم بهیچوجه نمیتوانم در اینصورت رأی بدهم بواسطه اینکه من حالا بطور تعقیب میدانم کلیه آذربایجان چقدر جمعیت دارد و صورت دستجات آنجا چه چیز است و میدانم آیا در پهلوئی آن دهاتی که قشون میداده اند و حالا خراب شده دهاتی آباد شده است یا نه ؟ بنا بر این بنده نمیتوانم از روی صحت رأی بدهم بجهت اینکه ممکن است بعضی نقاط دیگر باشند که مستحق تخفیف باشند و آنوقت بعضی نقاط آذربایجان را که فرض کنیم در درجه دوم مستحق تخفیف باشد پس بطور کلی نمیشود در این قانون عدله را معین کرد در این صورت يك تعدیات و يك تعدیلات خصوصی ممکن است باقی بماند که پس از گذشتن این قانون باید از آن تعدیلات جلوگیری شود برای این مسئله هم ماده دهم این قانون بخوبی پیش بینی کرده است و لابد محلیکه خراب است و استعداد دادن سر باز را ندارد وزارت مالیه و وزارت جنگ تحقیقات خودشان را میکنند بآن محل تخفیف میدهند بلی در این ماده ذکر شده است که عرض سر باز از همان حوزه گرفته شود ولی با این وصف این مطابق همین ماده ممکن است در صدد يك حوزه هم معاف شود چرا ؟ بجهت اینکه وقتی گفتیم بنطاقی که استعداد ندارند تخفیف داده میشود ممکن است تمام نقاطی که داخل در يك حوزه هستند مستحق تخفیف باشند کما هو حقه بآنها تخفیف داده شود پس از این نقطه نظر هم برای رفع تعدیلات خصوصی ماده دهم کافی است و هیچ تعدیل فوق الطاقات بآذربایجان یا جای دیگر تعدیل نخواهد شد و از همین نقطه نظر هم اگر نگاه کنیم محتاج به پیشنهاد ثانوی نخواهد بود که این قانون را تکمیل کند این نکته را هم نباید نگفته بگذاریم چون همانطور که آقای حاج عز الممالک فرمودند بیک قیام و قومود نمیشود بکده کثیری قشون را حذف کرد در صورتیکه مردم هستیم آن عدله قشون را از چه محل خواهیم گرفت پس بهتر این است پیشنهاد آقای حاج امام جمعه مسکوت عنه بماند باین ترتیب که بوزارت جنگ مراجعه شود البته تمام نمایندگان موافق هستند که امشب در کلیات قانون قشون گیری رأی داده شود و در ضمن یکی از دو صورت یعنی یا در ضمن بودجه کل وزارت جنگ و یا در ضمن صورت کلی که در تقسیم این چند صد هزار نفر نوشته میشود مطالباتی بکنند و اگر آذربایجان مستحق تخفیف است چنانچه بعقیده بنده مستحق هم هست آنوقت در ضمن یکی از این دو صورت آن تخفیفات را ملاحظه و منظور کنند پس بهتر این است این مسئله را موکول بقانون قشون گیری بکنیم و امشب در کلیات این قانون رأی بدهیم .

معاون وزارت جنگ - وزارت جنگ هم در این پیشنهاد نمیتواند رأی بدهد بجهت اینکه باید ملاحظه و دقت های لازمه را بکند و خلاصه

استدلالاتی که قبلاً عرض شد حاکی به-مین مطلب است .
رئیس - اگر امشب در این پیشنهاد رای بگیریم رای قطعی نخواهد بود در قابل توجه بودن آن رای خواهیم گرفت حالا مذاکره کافی است یا کافی نیست ؟

حاج امام جمعه - چه عیب دارد ارجاع بفرمائید بکمیسیون که نمایند، وزارت هم بیاید و در اینجا مذاکره شود

رئیس - این پیشنهاد با همان پیشنهادیکه آقای مخبر و نظام السلطان و جمعی دیگر امضاء کرده اند میفرستیم بکمیسیون و امشب در کلیات رای میگیریم آن ماده الحاقیه که آقای مخبر و سردار معظم و سلیمان میرزا و حاج عزالمالک پیشنهاد کرده بودند و رای دادیم چون بعد از ماده دهم است ماده یازدهم خواهد شد و ماده هفدهم هیچدم می شود آقایانیکه این قانون قشون گیری را که دوشور شده و مشتمل بر هیجده ماده است و مواد آن را يك يك تصویب فرموده اند بطورکلی تصویب میفرمایند قیام نمایند .

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد عجلتاً قانونی که حاضر باشد و جزء دستور بگذاریم غیر از تشکیلات وزارت جنگ چیز دیگری نیست ولی قوانین خیلی مهم دیگری در کمیسیون قوانین مالیه و کمیسیون بودجه هست از اعضاء کمیسیون قوانین مالیه و کمیسیون بودجه خواهش میشود که مرتباً جلسات خود را منعقد کنند و آن قوانین را هر چه زودتر بمجلس بفرستند قانون فروش قراولخانه هارا هم که اینقدر اصرار کردند بمجلس فرستاده شود فرستاده اند ولی مدتی است در کمیسیون مانده است و چون اهمیت دارد خوبست زودتر راپورتش را بمجلس بدهند

نظام السلطان چون فرمودند قیر از قانون تشکیلات وزارت جنگ چیز دیگری حاضر نیست عرض میکنم بنده قانون ترفیع رتبه نظامی داخلی مهم میدانم و عرض میکنم بقای نظام و ثبت آن بسته به قانون ترفیع رتبه نظامی و اگر این قانون ترفیع رتبه بمجلس میآید و بگذرد تمام این بیانات راجع به نظام روی کاغذ خواهد بود و این قانون بی نتیجه خواهد ماند .

سردار معظم - چون فرمودند قوانین مهمی بکمیسیون قوانین مالیه ارجاع شده و تا کید فرمودند زودتر راپورت داده شود اجازه میخواهم توضیحاً عرض کنم که قانونی در کمیسیون قوانین مالیه نیست سه فقره قانون بکمیسیون قوانین مالیه رجوع شد یکی قانون تبدیل مالیات خالصه جات انتقالی باربابی و یکی قانون فروش خالصجات و دیگری قانون استقراض داخلی قانون فروش خالصجات و استقراض داخلی موکول باین شد که دولت محل خرج این دو قانون را بکمیسیون پیشنهاد کند تا کمیسیون بتواند در این قانون رای بدهد و چون تا بحال از طرف دولت پیشنهادی نشده است کمیسیون نمیتواند داخل در مباحثه آن دو فقره قانون بشود و اگر مجلس منتظر است این دو فقره قانون بمجلس بیاید لازم است از طرف هیئت رئیسه تا کیدی بدولت شود که مطابق قرار داد رفتار نمایند قانون تبدیل مالیات خالصجات انتقالی هم از طرف دولت تقاضا شد مسکوت هه بماند برای اینکه يك صورت مبسوطتری

از خالصجات که فروخته شده و صورتی از مالیات آنها بدهید که کمیسیون از روی بصیرت بتواند اظهار عقیده کند در این باب هم لازم است امر بفرمایند بدولت تا کید شود و آن دو صورت را زودتر بفرستند چیزهای دیگری هم که به کمیسیون رجوع شده بود یکی نظامنامه استخدام بود به مناسبت قانون تشکیلات مالیه بمجلس فرستاده بودند و یکی دیگر هم بعضی نظامنامهها راجع به تعدید تریاک بود و چون اینها مربوط به کمیسیون نیست کمیسیون مصمم شده است پس بفرستد و بنظر خود دولت واگذار کند .

رئیس - عجلتاً چیزی را که بتوانیم جزو دستور قرار دهیم قانون تشکیلات وزارت جنگ است چند فقره تقاضای مرخصی هم شده است باید رای بگیریم آقای شریعتمدار برای اینکه مریضخانه بروند تقاضای بیست روز مرخصی کرده اند و آقای خان باباخان تقاضای یانزده روز و آقای میرزا محمد نجات سه ماهه مرخصی خواسته رای بگیریم آقایانیکه مرخصی بیست روزه آقای شریعتمدار را تصویب میفرمایند قیام نمایند .

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد آقایانیکه مرخصی ۱۵ روزه آقای بابا خان را تصویب میفرمایند قیام نمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - آقایانیکه مرخصی سه ماهه آقای میرزا محمد نجات را تصویب میکنند قیام فرمایند .

(معدودی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد .

عماد السلطنه - پس از انتخاباتی که برای حاضر شدن بودجهها شد عجلتاً سه چهار فقره بودجه در کمیسیون حاضر شده است و متأسفانه آقایان با هیچ حاضر نمیشوند یا خیلی دیر حاضر میشوند و تمام بودجهها بهمه تمویق افتاده است و جای بسی تأسف است که آقایان این امر مهم را مورد دقت قرار نمیدهند خوب است يك تا کیدی بفرمایند که آقایان در موقع انعقاد کمیسیون حاضر شوند و این بودجهها زودتر تمام شود .

رئیس - چون آقای رئیس کمیسیون حاضر نیستند البته برای جلسه آتیه جوابش را تهیه نموده و میگویند جلسه آتیه روز پنجشنبه دو ساعت قبل از غروب دستور هم قانون تشکیلات وزارت جنگ خواهد بود .

(مجلس تقریباً دو ساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۷۹

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۲۵ ذی حجه الحرام ۱۳۲۳

مجلس یکساعت و نیم قبل از غروب تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت مجلس روز سه شنبه بیست و سیم ذی حجه قراقت شد

غائبین با اجازه

غائبین بی اجازه

رئیس - آقایان صدر الملک و آقای دکتر لقمان با اجازه غائب بوده اند تصحیح خواهد شد ملاحظات دیگری در صورت مجلس هست ؟

سردار معظم - در صورت مجلس نوشته شده است که در جلسه گذشته بنده عرض کرده ام قانون

تبدیل مالیات خالصجات انتقالی را وزارت مالیه پس گرفته است باید بوزارت مالیه تا کید شود که دوباره پس بفرستند بنده اینطور عرض نکردم عرض کردم قانون تبدیل مالیات در کمیسیون است و کمیسیون منتظر این است وزارت مالیه يك صورت مشروحی از خالصجاتی که فروخته شده است مبسوطاً بمجلس بفرستند عرض نکردم وزارت مالیه پس گرفته است يك میحث دیگر که اینجا نوشته شده است این است که قانون استخدام بمجلس خواهد آمد خیر اینطور نیست زیرا لایحه قانونی نیست که بمجلس بیاید نظام نامه استخدام است و بمجلس هیچ مربوط نیست و بمجلس هم نخواهد آمد

رئیس - اصلاح میشود دیگر ایرادی نیست؟ (اظهاری نشد) دستور امروز اولاشور در قانون تشکیلات وزارت جنگ و ثانیاً انتخاب کسری کمیسیون ها ولی چون آقایان پس از ختم جلسه فراموش می کنند انتخاب کنند اگر مخالفی نباشد قبلاً شروع کنیم بانخاب کسری اعضاء کمیسیونها آنهم در خارج دو نفر نظار معین میشوند در خارج شروع بانخاب میشود (در این موقع آقای میرزا اسدالله خان استقراع نمود و آقایان رفعت الدوله و مرآت السلطان)

(بحکم قرعه برای استخراج آراء معین گردیدند)

رئیس - آقایان رفعت الله و مرآت السلطان برای گرفتن آراء بخارج تشریف ببرند کسری اعضاء هم ارفقاری است که عرض میکنم بکنفر برای کمیسیون عدلیه بجای آقا سیدفاضل که در سه کمیسیون بوده اند و از کمیسیون عدلیه استمفاد داده اند بکنفر هم بجای آقای شیخ محمد جواد برای کمیسیون راجع بخزانهداری يك عضو هم برای کمیسیون خارجه بجای آقا میرزا محمد علیخان بکنفر دیگر هم بجای آقای اعزاز السلطنه برای عضویت کمیسیون قوانین مالیه

سردار معظم - نظر باینکه اعضاء کمیسیون رسیدگی بحساب خزانه داری مکرر انتخاب شده است و مکرر اعضاء آن استعفا داده اند باز حالا اگر بکنفر بی جهت انتخاب کنند و باز استعفا کند بالاخره این استعفا یادر ضمن جریان امر سبب میشود که خود مقصود از میان میرود آیا بهتر نیست که هر يك از نمایندگان که خودشان هم داوطلب هستند اعلان کنند که سایر بنهم آنها را انتخاب کنند و هر روز مسئله استعفا نباشد ؟

رئیس - مذاکره در کلیات قانون تشکیلات وزارت جنگ است خوب است آقایان اعضاء کمیسیون نظام تشریف بیآورند در ردیف اول بنشینند در کلیات این قانون مخالفی هست یا نیست ؟ (اظهاری نشد) معلوم میشود مخالفی نیست رای میگیریم داخل در شور مواد بشویم یا نه ؟ آقایانیکه تصویب میکنند داخل در شور مواد شویم قیام نمایند .

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد در ضمن شور قانون آقایان برای انتخاب اعضاء کمیسیون بخارج تشریف خواهند برد ولی یکدقه تشریف نبرند که همه برای مذاکرات کافی نباشد ماده اول قرائت میشود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده اول - وزارت جنگ به تقسیمات ذیل منقسم میگردد .

(۱) دایره وزارتی کابینه وزیر مشعب بدوشبه میشود ، شعبه تحریریه شعبه پرسنل .

(۲) اداره نظام عبارت است از : مسکات